



## یادداشت

برق مجانی برای فقرا از میان همه آن وعده‌ها و بعد از پس رفت‌ها

صادق کار



روحانی در این هفته بار دیگر از دادن برق مجانی به عنوان تحقق یکی از وعده‌های ۴۲ سال پیش خمینی یاد کرد و آن را از افتخارات دولت خود خواند.

البته هنوز به دلیل روشن نبودن کم و کیف این قضیه معلوم نیست که چه تعدادی از جمعیت کشور شامل این وعده روحانی خواهند شد و تا چند وقت دیگر ادامه پیدا خواهد کرد.

مردم به تجربه در یافته‌اند که معمولاً مسئولین و مقامات حکومتی وعده‌های بسیاری در مقاطع خاصی

داده‌اند اما یا آنها را در عمل اجرا نکرده‌اند و یا پس از مدتی به بهانه‌هایی آنها را کنار گذاشته‌اند.

سابقه زیر پا گذاشتن وعده‌ها به زمان خود خمینی بر می‌گردد که وعده‌های بسیاری در آغاز به مردم داد اما نه تنها هیچ یک از آنها را نه خود او عملی کرد و نه هیچ یک از دولتهای متعدد گذشته بلکه خلاف همه آن وعده‌ها را به اجرا گذاشتند. وعده‌هایی که از آزادی همگانی تا تامین مسکن، کار بهداشت، آموزش را در بر می‌گرفت. آب و برق مجانی نیز یکی از این وعده‌ها بود که بعد از ۴۲ سال از زمان آن ظاهراً دولت روحانی به ناگهان در میانه بالاگرفتن جنگ جناحی میان دستگاه حاکم در ماه‌های پایانی عمر دولت اش قصد عملی کردن آن را دارد. اینکه چرا دولت در ۷ سال گذشته که وضعیت مالی بهتری داشته این وعده خمینی را اجرا نکرده و در شرایطی که بدترین وضعیت مالی را دارد به فکر اجرای آن افتاده خود جای مکث دارد.

جای مکث دارد برای اینکه او هیچ یک از وعده‌های خودش را عملی نکرده و کلی هزینه‌های تازه روی دوش فقیرترین گروه‌های اجتماعی گذاشته که کمتر شانه‌ای است که بتواند وزن سنگین این هزینه‌ها را تحمل کند و خم نشود. وعده ارزان کردن دارو و درمان، پرداخت یارانه از بابت افزایش قیمت بنزین و حامل‌های انرژی، کاهش تورم، افزایش ارزش پول ملی، افزایش دستمزد اینها بخشی از وعده‌های اقتصادی روحانی بود که هیچ یک از آنها نه تنها عملی نشدند بلکه خلاف همه آنها عمل شد. اینها نتیجه وعده‌های اقتصادی روحانی بود، در زمینه وعده‌های



سیاسی همچون منشور حقوق شهروندی، حق تشکل آزادی نهادهای مدنی و فعالیتهای اجتماعی و وعده‌های از این دست نیز که هزینه اقتصادی بلافصلی نیز نداشتند. او هیچکدام از آنها را عملی نکرد. حالا بیایم فرض بگیریم که او مقصود سیاسی سوئی از دادن برق رایگان به عده‌ای از فقیرترین‌های جامعه که دولت روحانی خود نقش کمی در فقیر سازی آنها نداشته است، بخواهد به این صورت به آنها برگرداند، این چه افتخاری دارد که او این همه در باره آن لاف می‌زند و گزاف می‌گوید. او در واقع با این کار برای رقبای سیاسی اش که بعد از او اگر اتفاق غیر مترقبه‌ای رخ ندهد زمام امور دولت را در دست می‌گیرند یک معضل ایجاد می‌کند. برای مخالفین حکومتی روحانی که فریبکارانه سنگ دفاع از فقرا و محرومین را به سینه می‌زنند هم آسان نیست که با اجرای کج و معوج و نصفه نیمه‌ی یکی از وعده‌های ۴۲ سال پیش خمینی توسط رقیب سیاسی شان مخالفت کنند، چون در آن صورت ادعاهای خودشان نزد مردم بیشتر زیر سوال می‌رود. ضرباتی که روحانی و حکومت طی سالهای گذشته به مردم زحمتکش وارد کرده‌اند با این کارها نه قابل جبران است و نه کسی را فریب می‌دهد.

در هر صورت نیت روحانی از اینکار به نظر نمی‌رسد خیر باشد. آن روزنامه نگار اصلاح طلب دیروز و نتولیبیرال امروز هم نباید حول برش دارد و نگران عواقب منفی این اقدام روحانی برای اقتصاد آزاد و بازار باشد و علیه آن مقاله بنویسد. روحانی هرچه باشد کمتر از او طرفدار اقتصاد بی‌در و پیکر بازار آزاد و نتولیبیرالیسم اقتصادی نبوده و نیست و در عمل طی ۸ سال ریاست جمهوری اش آن را اثبات کرده است. چاقو که دسته خودش را نمی‌برد.



**به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!**



## اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پساکرمایه داری" بخش بیستم

آدام بوث



## راه حل: بایکوت، قانون یا سازمانیابی؟

به دنیای اقتصاد "شراکتی" و "طبق درخواست" برگردیم: در این دنیا یک مشت "راه حل" برای "تقویت سمت ترقیخواهانه" این مدل‌های جدید و "تضعیف و امحای جهات مضر و پیامدهای زشت آنها" عرضه شده است.

ساده‌نگرترین "راه حل" این پیشنهاد به کاربران و مصرف‌کنندگان است که شرکت‌هایی را که از اقتصاد شراکتی و طبق درخواست سود می‌برند، بایکوت کنند. اما اقدامات فردی از این دست، علیرغم نیت مثبت و اخلاقیات والای آنها، تأثیر ناچیزی بر تناقضات اساسی دارند که در قلب این نوع مدل‌ها و پلانفرم‌های اقتصادی رو به فزونی نهفته اند. در واقع با بایکوت کردن آنها، وجوه ترقیخواهانه این روشها و تکنولوژیهای بالقوه انقلابی نیز از دست خواهد رفت. چنان که می‌گویند "بچه را با آب کثیف دور نمی‌ریزند".





مال منه،

همه اش مال منه

آری، این امکان فرضی برای ایجاد نسخه های جدید اقتصاد طبق درخواست که اخلاقاً کمتر مورد تردید باشند و بازگرداندن اصل اخلاقی اولیه به اقتصاد شراکتی دایر بر نودوستی متقابل وجود دارد. اما ج، درست به شباهت با تمام تجربیات اتوپیایی خردی که تاکنون انجام یافته اند، مثلاً ایجاد جزیره های سوسیالیستی در دریاها سرمایه داری، این امکان نیز قادر به رقابت با شرکتهای بزرگ سودبنیانی که در اقتصادهای شراکتی و طبق درخواست مشغول اند - با توجه به حجم عظیم سرمایه هاشان، دستمزدهای کمتر و ابعاد فعالیتهای اقتصادی شان - خواهد بود.

مهم درک این نکته است که با بایکوت نمونه های گندیده و تقویت نمونه های پسندیده نهایتاً هیچ برخوردی با مسئله کلیدی، یعنی مالکیت خصوصی و آنارشی بازار، صورت نخواهد گرفت. اینها هستند، و نه اخلاق این یا آن سرمایه دار، که قوه محرک پشت هر کوشش برای چلانیدن کارگران را در اقتصاد طبق درخواست تشکیل می دهند. و این نه اقدام فردی، بلکه اقدام جمعی است، که مبارزه متقابل کارگران را میسر می سازد. چنان که مارکس گفته است: "رهائی طبقه کارگر باید توسط خود کارگران به چنگ آید".

در واقع، ممانعت از مسابقه برای سقوط به قهقرا، که اقتصاد طبق درخواست مشوق و مشدد آن است، مستلزم تلاش برای سازمانیابی و اتحادیه گری افرادی است که در حال حاضر در این بخشهای اقتصاد به صورتی متمایز کار می کنند. نمونه هایی از ایجاد اتحادیه توسط رانندگان اوبر در برخی از شهرها وجود دارند. در جاهای دیگری، نوعی اتحادیه "آزادکاران" (فریلنسر) تشکیل شده است تا مانع از استثمار کارگران شاغل در بخش اقتصاد طبق درخواست تا مفرط ترین سطوح ممکن گردد.

در حال حاضر کارگران "خویش فرما" که خدمات خود را از طریق این قبیل پلاتفرمها عرضه می کنند، در رقابت بر سر قیمت و کیفیت با یکدیگر اند و از این بابت از مشتریان شان هم بابت "وظیفه شناسی" شان امتیاز می گیرند؛ روشی که رقابت حاد را به عیانترین وجهی بین کارگران دامن می زند. پیشنهاد این است که در برابر این وضعیت باید مقررات گزاری کرد و در اتحادیه ها گرد آمد. باید امکاناتی چون حداقل دستمزد برای تمام کارگران شاغل در بخش اقتصاد طبق درخواست را عملی کرد. وضع کنونی، هر جور که نگاه کنید اکیداً به نفع صاحبان سرمایه است.

چنان که دین باکر Dean Baker، اقتصاددان، در نیویورک تایمز خطاب به سرمایه داران نوشته است: "شما کارگران را به خوداستثماری می کشید؛ آن هم به روشهایی که برای جلوگیری از آنها مقررات لازم وجود دارند". استانی آرونوویچ Stanley Aronowitz، پژوهشگر دانشگاه نیویورک، هم در همان جا می نویسد: "این وضع را می توان بردگی مزدی هم نامید؛ وضعی که در آن کارفرما - خواه شرکت واسطه باشد خواه مشتری - به یمن تکنولوژی، همه کارت های بازی را در اختیار دارد".

پیشنهادهاى مشابهی برای سازمانیابی در بخش اقتصاد "شراکتی" نیز ارائه شده اند. اخیراً شرکتهای بزرگ در این اقتصاد دیگر نه از متقاضی و نه از عرضه کننده حمایت نمی کنند. برای نمونه، مهمانان یا میزبانان ایربی ان خود



مسئول خسارات احتمالی اند، خساراتی که جبران آنها در بخش هتلداری و مهمانخانه داری مرسوم، تئوپیک به عهده هتل و هاستل است. در اقتصاد طبق درخواست نیز وضع مشابهی حاکم است. مثلاً رانندگان اوپر خودشان تماماً مسئول نگهداری و بیمه ماشین شان اند. بار دیگر باید گفت که در این مدلهای اقتصادی کارگران تمام هزینه ها را می پردازند و سرمایه داران تمام سود را به جیب می زنند. راه حل، چنان که جولیت شور Juliet Schor، آکادمیسین، در گذار بزرگ می نویسد، سازمانیابی است و مقررات. او می نویسد:

راه حل بدیل آن است که مشارکت کنندگان جزئی از جنبش بزرگی بشوند که در جستجوی بارتوزیع ثروت، گسترش همکاری، حمایت محیط زیستی و پیوند اجتماعی است. این مهم فقط با سازمانیابی، و مشخصاً با ایجاد اتحادیه های کاربران میسر می گردد. در واقع این سؤال که تأمین کنندگان خدمات در این نوع اقتصاد باید سازمان یابند، هم اکنون مطرح است اگرچه که هنوز خیلی زود است که بتوان از چگونگی تحول وضع چیزی گفت.

وضع ایربی ان بی کاربران آن را به سازمانیابی ترغیب می کند... این شرکت می خواهد که این گروه ها را به سمت مطالبه مقررات لازم [از دولت] سوق دهد. اما آنها می خواهند دستورکار خودشان را داشته باشند و مطالبات معینی از خود شرکت دارند، از جمله اعمال کف قیمت برای تأمین کنندگان خدمات، مسئولیت بخشیدن به پلاتفرمها در برابر ریسک، یا کاستن از سود سرمایه گذاران. در ارتباط با نیروی کار، که شاید سازمانیابی اش حادثترین نیاز آن باشد، تأمین کنندگان می توانند خواهان حداقل دستمزد شوند.



## بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



## مگر تشکل آزاد است که زنان بتوانند در آن شرکت کنند؟

صادق



"حاتم شاکرمی" معاون روابط کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نشست‌ای که اخیراً با عده‌ای از زنان کارفرما و کارگر داشته است با اشاره به مقاله نامه شماره ۱۰۰ سازمان جهانی کار که مربوط به تساوی حقوق زن و مرد و ممنوعیت تبعیض است، گفت وزارت تعاون، کار و رفاه از حضور بیشتر زنان در تشکل‌های کارگری و کارفرمایی حمایت می‌کند

به نوشته ایلنا وی بر حضور بانوان در تشکل‌های کارگری تأکید نموده و گفته است حضور زنان در تشکل‌های صنفی در سطوح استانی و عالی نسبت به ۱۰ سال پیش رشد بسیار خوبی داشته است. جناب معاون با وجود این ادعا اما نامی از آن تشکل‌های عالی که حضور زنان در آنها رشد زیادی داشته نکرده است. علت ندادن اطلاعات هم روشن است. (نقل به معنی)

تا آنجا که قضیه مربوط به تشکل‌های کارگری است در ایران اصولاً حتی تشکل آزاد کارگری پایه که حق فعالیت آزاد داشته باشد وجود ندارد که زنان بتوانند در آنها مشارکت نمایند تا برسد به افزایش مشارکت زنان در سطوح عالی! این ادعا حتی در مورد تشکل‌های کارگری حکومتی نیز صدق نمی‌کند. وقتی حق فعالیت سندیکایی وجود ندارد و مقاله نامه‌های مربوط به آزادی تشکل در ایران اجرا نمی‌شود صحبت از حضور زنان و اجرای مقاله نامه ۱۰۰ چیزی جز فریبکاری و شارلاتانیسم نیست. در مورد نفی تبعیض در قانون کار ایشان درست می‌گویند، ولی مشکل این جاست که نه ماده ۶ قانون کار که هر نوع تبعیض را نفی کرده و نه هیچکدام از موادی که در این قانون اندکی جنبه حمایتی در آنها وجود دارد اجرا نمی‌شوند. تبعیض در محیط‌های کار که واقعاً بیداد می‌کند! این وظیفه وزارت کار است که بر اجرای قانون کار نظارت و از نقض آن توسط کارفرمایان جلوگیری کند اما این وزارتخانه خودش در این زمینه گوی سبقت را از کارفرمایان ربوده است.

تأکید دروغ بر حمایت از حضور زنان در تشکل‌های کارگری در حالی توسط معاون وزیر مطرح می‌شود که فعالیت اتحادیه‌ای در تشکل‌های حکومتی سالهاست که مردانه زنانه شده است. خانه کارگر یک اتحادیه قلابی زنانه تشکیل داده که سهیلا جلودار زاده مسئول آن است و به غیر از او یکی دو زن دیگر هم در کنار او هستند. فعالیت



و نتیجه کار این اتحادیه نیز در حد صفر است. بطوری که اگر از خانم جلودار زاده در مورد کارنامه فعالیت این اتحادیه پرسش شود چیزی برای ارائه ندارد. کسانی که از آغاز تا کنون سعی در مردانه زبانه زدن اتحادیه ها و ایجاد جدایی بین زنان و مردان کارگر می کنند در واقع همان مقوله نامه ۱۰۰ را به خشن ترین صورت لگد مال کرده اند. جناب معاون اول از همه باید مقوله نامه های ۹۸ و ۸۷ را که اساس حق تشکل هستند را بپذیرند، از پیگرد فعالین سندیکایی و سندیکاهای مستقل که متضاد با مقوله نامه های سازمان جهانی کار هستند دست بردارند و کسانی را که به این خاطر دولت شان به زندان انداخته از زندان آزاد کنند سپس می توانند در مورد حمایت از حضور زنان در تشکلهای که وجود دارند سخن گویند. مگر نه این است که وزارت کار نقش اصلی را در جلوگیری از فعالیت سندیکاهای کارگری مستقل و نقض مقوله نامه های بنیادین سازمان جهانی کار را داشته و دارد؟

زنانی که مبارزه اتحادیه‌ای می کنند و شایستگی رهبری اتحادیه ها و فدراسیون های کشوری را دارند البته کم نیستند ولی اتحادیه‌ای وجود ندارد که بتوانند در راس آن قرار بگیرند. در کشوری که روزنامه نگار و وکیل مدافع فعالین سندیکایی را بر نمی تابد و آنها را تهدید و به زندان می اندازند، صحبت از حضور بیشتر یا کمتر زنان در رهبری تشکلهای عالی کارگری چیزی غیر از فریبکاری و وارونه نشان دادن حقایق موجود نیست.

زنان مبارز در میان معلمان، پرستاران، کارگران و سایر مزدبگیران که در فعالیتهای سندیکایی غیر رسمی حضور دارند هم اکنون وجود دارند، منتهی هیچکدام از آنها نه تمایلی به فعالیت در تشکلهای قلابی که عامل حکومت هستند دارند و نه می گذارند اتحادیه های مستقل خاص گروه های شغلی خودشان را تشکیل دهند. در همان تشکلهای عالی حکومتی هم تعداد زنان کمتر از تعداد انگشتان یک دست هستند. اما غرض از این ادعاها و سخنرانی ها در محافل در بسته سرهمبندی کردن گزارش های قلابی برای سازمان بین المللی کار برای مجاب کردن مسئولین آن سازمان مبنی بر رعایت مقوله نامه های سازمان بین المللی کار است. این شگردی است که سالها از طرف مدیران وزارت کار و رهبران سازمانهای کارفرمایی به کار گرفته شده.

در مورد نقش زنان در اتحادیه‌های کارفرمایی البته چون این اتحادیه ها بر خلاف اتحادیه های کارگری کاملا در فعالیت های شان آزاد هستند، حضور تعدادی از زنان کارفرما در رهبری آنها نیز منتفی نیست. با این همه حضور زنان حتی در اتحادیه های کارفرمایی چندان نیست. وقتی که بقول داده‌های آماری اساسا نقش و حضور زنان در بازار رسمی کار حداکثر یک سوم مردان است پیداست که نقش آنها در اتحادیه ها هم نمی تواند در ایده‌آل ترین شرایط فراتر از نسبت حضورشان در بازار کار باشد. حکومتی که از هیچ تلاشی برای محدود کردن حضور زنان در بازار کار و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی فروگذار نکرده است چگونه وزارت کار آن می تواند مدعی شود که از حضور زنان در سطوح بالای مدیریتی تشکلهای صنفی حمایت می کند؟

**خصوصی سازی را متوقف کنید!**



## گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

## جنگ کارگری



## از سرگیری تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در روز چهارشنبه ۱۵ بهمن در چندین شهر از جمله، تهران، اصفهان، تبریز، نیشابور برگزار شد و بازنشستگان که از بی توجهی مسئولین دولتی، مجلس و مدیران سازمان تامین اجتماعی به خواسته های شان عصبانی و معترض هستند به اعتراض برخاستند خواسته های بازنشستگان کماکان همان خواسته های تاکنونی است. افزایش حقوق و مستمری ها برابر با سبد هزینه های خانوار، همسانسازی درست حقوق ها مطابق قانون مصوب، بیمه و درمان مناسب رایگان، پرداخت عیدی برابر با عیدی کارگران، و مزایای دیگر که به کارگران تعلق می گیرد و پرداخت بدهی های دولت به تامین اجتماعی مهمترین مطالبات بازنشستگان تامین اجتماعی هستند که هنوز با هیچ یک از آنها موافقت نکرده اند

## ادامه اعتراضات کارگران کارخانه قند یاسوج برای اشتغال

اعتراضات کارگران کارخانه قند یاسوج علیه بیکاری و تعلل مدیران بانک تجارت برای تحویل گرفتن کارخانه در ۱۴ بهمن نیز ادامه یافت. کارگران قند یاسوج طی یک رشته اعتراضات طولانی علیه خصوصی سازی کارخانه موفق شدند حکم لغو و اگذاری و بر گرداندن کارخانه را که قبل از واگذاری در مالکیت بانک تجارت بود بگیرند. مدیران بانک تجارت که به نظر می رسد از بازگرداندن کارخانه توسط دادگاه ناراضی هستند ظاهراً با تعلل می خواهند نارضایتی شان را نشان دهند.

## آبداران بلاتکلیف کهگیلویه و بویر احمد بار دیگر تجمع کردند

آبداران بویر احمدی پس از آنکه سفر دو هفته پیش آنها برای تجمع در مقابل مجلس بی نتیجه ماند، در ۱۴ بهمن دوباره در اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی شان طی ۸ ماه گذشته، نداشتن امنیت و بلاتکلیفی شغلی تجمع کردند. کارگران می گویند نمایندگان مجلس با قول اینکه مشکلات آنها را ظرف یک هفته حل می کنند آنها را به شهرشان فرستادند، ولی هنوز مجلس کاری برایشان انجام نداده است. متأسفانه اعتراضات متعدد تا کنونی این





کارگران زحمتکش برای پرداخت منظم و به موقع دستمزد و ایر مطالبات صنفی شان بی نتیجه مانده است و هیچ نهاد و ارگانی حاضر به رسیدگی به مطالبات نیستند.

کارگران آبدار استان که فاقد قرارداد هستند و عده زیادی از آنها در شرف تعدیل و اخراج قرار دارند.

### تجمع دگر باره معلمان قراردادی مقابل مجلس

با وجود اینکه تجمعات اعتراضی معلمان مقابل مجلس تا کنون نتیجه ملموسی برای معلمان قراردادی نداشته، با این همه عده‌ای از آنها بار دیگر در اعتراض به عدم تغییر قرارداد استخدامی شان به رغم قبولی در آزمون در ۱۴ بهمن مقابل مجلس تجمع و از نمایندگان خواستار رسیدگی به وضع خود شدند یکی از مسئولین آموزش و پرورش روز گذشته در پی اعتراضات پیاپی معلمان قراردادی و شرکتی وعده استخدام ۳۰ هزار نفر معلم را داد که البته معلوم نیست چقدر جدی باشد.

### ادامه پیگرد فعالین کارگری این بار در فولاد

احضار و پیگرد فعالین کارگری از طرف نهادهای امنیتی همچنان ادامه دارد. در طول هفته جاری حداقل ۱۰ کارگر کارخانه فولاد در ارتباط با اعتراضات هفته های گذشته کارگران در این کارخانه از طرف وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه احضار و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. در بازجویی از کارگران خواسته شده که از اعتصاب و اعتراض دست بردارند و علیه مدیریت سخن نگویند.

ماموران امنیتی اما نگفته‌اند وقتی به کارگر اجازه نمی دهند سندیکا و اتحادیه تشکیل دهد و حقوق کارگر توسط کارفرما و مدیران کارخانه لگد مال می شود و هیچ مرجع دولتی و حکومتی هم به شکایات متعدد کارگران رسیدگی و توجه نمی کند و کارگر از هر سو تحت فشار قرار می گیرد چه راهی جز اعتصاب و اعتراض برای دفاع از حق و حقوق شان دارند؟ اگر داشتن سندیکا و اتحادیه و اعتصاب غیر قانونی و خلاف قانون است، چرا برای کارفرمایان که صدها اتحادیه دارند غیر قانونی و خلاف نیست؟ این چگونه عدالتی است که چنین تبعیضاتی را برای اقلیتی از شهروندان روا می داند ولی برای اکثریت شهروندان ناروا و مستوجب زندان؟ دستگاه های امنیتی تا حالا چند کارفرما و سرمایه دار را که حتی دستمزد کارگران شان را به موقع نمی پردازند برای باز و خواست احضار کرده‌اند؟

### اعتصاب در کارخانه پتروشیمی شیمی بافت

اعتراضات کارگری به اشکال مختلف در صنایع پتروشیمی همچنان ادامه دارند اما بندرت اخبار آنها توسط رسانه های داخلی مجاز منتشر می شوند. کارگران پتروشیمی بافت واقع در سایت ۳ منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر در ۱۴ و ۱۵ بهمن در اعتراض به اجرا نشدن طبقه بندی، نداشتن امنیت شغلی، تبعیض مزدی و شغلی، و گرفتن تعهد نامه اجباری توسط کارفرما اعتصاب نمودند. کارگران در این اعتصاب خواستار عملی کردن خواسته‌هایی شدند که برای آنها اعتصاب کرده‌اند. اداره کار و دیگر ادارات دولتی ذیربط این بار نیز حاضر به حمایت از مطالبات قانونی کارگران و وادار کردن کارفرمایان قانون شکن به رعایت قوانین خودشان نشدند.



## تجمع اعتراضی کارگران در عسلویه

کارگران قرار دادی موقت منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس واقع در عسلویه نیز در ۱۳ بهمن در مقابل دفتر شرکت تجمع نمودند. کارگران در این تجمع خواستار تبدیل وضعیت استخدامی خود که موقتی است شدند. همسانسازی حقوق پرداخت آئیم های کارمندان و رفع سایر تبعیضات میان کارگران با قرارداد موقت و غیر موقت شدند.

## تداوم اعتراضات کارگران پیمانی در پارس جنوبی

بدنبال کاهش دستمزد و مزایای کارگران پیمانی فاز ۱۹ در پارس جنوبی که منجر به اعتصاب کارگران شد. اعتراضات کارگران پیمانی نسبت به تصمیم کارفرما ادامه دارد. کارفرما که قرار بود طرح طبقه بندی را در شرکت اجرا کند برای اینکه اجرای طرح هزینه ای برایش ایجاد نکند تا ۴۰ درصد از دستمزد و مزایای کارگران پیمانی را که شامل طبقه بندی مشاغل می شدند گفته می شود کسر کرده است. در واقع این مبلغ از مبلغی که در اثر اجرای طرح طبقه بندی به حقوق کارگران افزوده می شد، بیشتر است و با این ترفند کارفرما مبلغی را هم به جیب می زند. کارفرما با حقه بازی قرارداد جدیدی را که مزایای شغلی در آن قید نشده بود به کارگران داد تا آن را امضا کنند و با این ترفند دستمزدها و مزایا را کاهش داد. چنین قراردادهای غیر قانونی هستند و عوامل آن باید تحت پیگرد قرار بگیرند. وظیفه اداره کار است که از این کارها جلوگیری و متخلفین را جهت مجازات به دادگستری معرفی کند. اما به وظیفه اش عمل نمی کند. نتیجه اینکه کارفرما با خیال آسوده کاری را که می خواهد انجام می دهد و سود هنگفت مضاعفی هم با کسر کردن از حقوق کارگر به جیب می زند. اگر لازم هم شود اندکی از آن را خرج رشوه به مسئولین دولتی و حکومتی می کند و دهانشان را می بندد.

## پیگیری مطالبات صنفی کارگران شرکت واحد توسط سندیکای واحد

سندیکای کارگران شرکت واحد به رغم همه فشارهایی که از طرف نیروهای امنیتی از آغاز تاسیس تا کنون به آن وارد آمده دست از پیگیری حقوق و مطالبات کارگران شرکت واحد نکشیده و هر وقت که لازم بوده به اشکال مختلف از آنها حمایت نموده است. بنا به گزارشی که در این هفته از طرف سندیکا منتشر شد. جمعی از اعضای سندیکا طی نشست با مدیر عامل، معاون منابع انسانی و معاون بهره برداری شرکت داشتند، در مورد یک رشته مطالبات صنفی کارگران و دلایل اجرا نشدن شان مذاکره کردند. بازنگری طرح طبقه بندی، واریز کردن حق بیمه کارگران بیمه تکمیلی و چند مطالبه و مشکل دیگر مطالباتی هستند که در موردشان صحبت شده است. اما اهمیت مهمتر این نشست در این است که بالاخره پس از سالها امتناع مدیریت شرکت واحد از به رسمیت شناختن سندیکا و مذاکره با نمایندگان آن نخستین گام را برای پذیرش سندیکا برداشتند. و این توفیق نتیجه محبوبیت سندیکا در میان کارگران شرکت و درایت و استواری رهبران آن در پیگیری مطالبات کارگران است.

## تجمع کارگران شهرداری در تبریز

تعدادی از کارکنان شهرداری تبریز با برگزاری تجمعاتی که از ۱۰ بهمن شروع کردند و چند روز است که ادامه دارد، نسبت به تهدید امنیت شغلی، پرداخت نشدن کامل حق بیمه های شان و حقوق یک و نیم میلیونی اعتراض و خواهان رفع مشکلات شان شدند. کارکنان معترض بویژه از اینکه حق بیمه شان برای ۱۵ روز از ماه به حساب



تامین اجتماعی واریز می شود و افزایشی در حقوق اندک شان با وجود بالا رفتن هزینه های زندگی صورت نگرفته ناراضی و معترض هستند. شایان ذکر است که پرداخت نشدن کامل حق بیمه دشواریهای زیادی برای کارگران در حال و آینده بوجود می آورد. دشواری برای دارو و درمان، بیمه بیکاری، کاهش حق سنوات و تاخیر در زمان و حقوق بازنشستگی از جمله عواقب پرداخت نکردن حق بیمه هستند. تمام این مسائل بر اساس مدت پرداخت و مقدار حق بیمه تعیین می شوند. هم اکنون صدها هزار کارگر هستند که به دلیل نداشتن سابقه بیمه کافی با وجود گذشتن از سن بازنشستگی آنها را باز نشسته نمی کنند و یا بر اساس سوابق بیمه به آنها حقوق بازنشستگی پرداخت می کنند. این در حالی است که اکثر آنها ناخواسته تحت پوشش بیمه قرار نگرفته اند. مقصر اصلی در این قضیه سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار هستند که با این قانون شکنی ها برخورد نمی کنند و بجای مجازات خاطیان کارگران را مجازات می کنند.

### تداوم تجمع های اعتراضی کارگران ساختمانی در زاهدان

در هفته گذشته خبر تجمع کارگران فقیر و روزمزد ساختمانی در زاهدان را منتشر کردیم این تجمعات به دلیل اینکه تا کنون بی نتیجه مانده و هیچ یک از مسئولین دولتی اقدام مثبتی برای کارگران ساختمانی نکرده اند در ۱۳ بهمن نیز ادامه یافت. در چنین اوضاعی برای کسانی که می خواهند کار و زندگی شرافتمندانه داشته باشند ولی امکانش را مسئولین فراهم نمی کنند، چه راه دیگری به غیر از افتادن در دام باندهای قاچاق مواد مخدر برایشان وجود دارد؟ از انسانها که نمی توان انتظار داشت گرسنگی بکشند و دم بر نیاورند و خلاف نکنند!

### آتش زیر خاکستر در هفت تپه

اعتراضات کارگران در پی نیمه کاره رها شدن محاکمه مالک اصلی و اختلاسگر معروف ارزی امید اسد بیگی و احضار ۲۸ کارگر حق طلب هفت تپه همچنان ادامه دارد و کارگران و نمایندگان آنها در حال انعکاس این اعتراضات و پیگیری مطالبات کارگران هستند. انتشار بیانیه ای با امضای عده ای از کارگران در این هفته یکی از این اقدامات است. در این بیانیه کارگران پس شرح فعل و انفعالی که پس از پایان اعتصابات کارگران و برخوردهای فریبکارانه دارو دسته قوه قضائیه و مدعیان فریبکار "عدالتخواهی" با کارگران هفت تپه و شکایات شان داده اند، بر ادامه اعتصابات و مبارزات شان تا رسیدن به مطالبات شان تاکید کرده اند. به نظر می رسد هفت تپه حکم آتش زیر خاکستر را دارد که هر لحظه ممکن است شعله ور شود. این که کارگران در عمل به این نتیجه رسیده اند که بین جناح های حکومتی در مورد خصوصی سازی و حمایت از دزدان و اختلاسگران تفاوتی نیست خود تجربه مفیدی است که در مبارزات بعدی به کارگران کمک می کند تاکتیک های مبارزاتی شان را تدقیق کنند همچنین مبارزات کارگران هفت تپه و گسترش بیسابقه مبارزه طبقاتی در جامعه بحران و فسادزده موجب بر افتادن سرریز نقاب کاذب عدالت خواهی دارودسته رئیسی شد.

### تجمع کارگران گروه صنعتی شیشه کاوه

در پی اخراج شمای از کارگران کارخانه کاوه که قرار بود بزودی بازنشسته شوند، کارگران گروه صنعتی شیشه کاوه در ساوه بعنوان اعتراض به اخراج همکاران شان ۱۵ بهمن در تهران تجمع و خواستار توقف اخراج



همکاران خود شدند. گفته می شود که این کارگران هر یک سابقه ۲۰ سال کار دارند و هدف کارفرما از اخراج آنها جلوگیری از بازنشستگی کارگران است.

### مجلس در محاصره زحمتکشان معترض

در این هفته نیز تعدادی از تظاهرات زحمتکشان معترض به سیاستهای دولت، مجلس و حکومت در مقابل مجلس برگزار شد. تقریباً از مدتی پیش به این سو کمتر روزی را میتوان سراغ داشت که تظاهراتی در مقابل مجلس انجام نشده باشد و فریاد تظاهر کنندگان از بیدا حاکم گوش مجلس نشینان را پر نکرده باشد. از کارگران آبدار بویر احمد و معلمان شرکتی و حق التدریسی تا بازنشستگان تامین اجتماعی در هفته های اخیر بعضاً چند روز پیاپی در مقابل مجلس در مانده و مستاصل از رسیدگی به خواسته های تظاهر کنندگان در مقابل مجلس تظاهرات چند صد نفره برگزار کردند. در این هفته نیز این تظاهرات ادامه و بعضاً تکرار شدند. تظاهرات معلمان حق التدریسی، آموزشیاران سواد آموزی از اعتراضاتی هستند که در این هفته نیز به دلیل پاسخ نگرفتن از طرف مسئولین تکرار شدند. این تظاهرات موجب رسوایی نمایندگانی شد که با پز و شعار عدالتخواهی می خواستند مچ رقبای دولتی شان را بخوابانند و با فریبکاری به تصور باطل خودشان اعتراضات زحمتکشان را فرو بنشانند.

### موافقت وزیر اقتصاد با تهاتر کردن بدهی هپکو

بنا به خبری که در ۱۶ بهمن به نقل از محمد شریعتمداری وزیر کار در خبرگزاری ایلنا منتشر شد، وزیر اقتصاد با تهاتر بدهی هپکو موافقت کرده است. این خبر اگر صحت داشته باشد و عملی شود به معنی عقب نشینی دولت از مواضع پیشین آن در اثر به نتیجه رسیدن فشار اعتراضات پیگیرانه کارگران هپکو در یک ماه اخیر با خواست تهاتر کردن بدهی هپکو به عنوان مانع اصلی از سرگیری تولید در هپکو ست.

\*برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

**sabosob@gmail.com**

\*"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

**دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!**